

کیفیت و چگونگی معراج پیامبر از منظر آیات و روایات

چکیده

معصومه اصلانی^۱

خداوند به سال ۶۱۰ میلادی پیامبر اکرم صل الله و آله وسلم را به پیامبری مبعوث کرد و او را برای هدایت انسان به مقصد اعلاء و مقصود والا به سوی جامعه انسانی گسیل داد. پیامبر نیز در آن دوران جهالت تمام تلاش خود را برای هدایت مردم به کار گرفت و تلاش فراوان کرد، رنج و سختی فراوان متحمل شد. دوران پیامبری پیامبر سرشار از حادثه های درس آموز و آمیخته با رخداد های تنبه آفرین و مملو از جریان های اعجاب آفرین و شگفت زای دوران مکی رسالت پیامبر است این سفر در اوج تکذیب ها، خیره سری ها و از زشت خویی های مشرکان تحقق یافت امروزه در اصل وقوع آن به علت صریح آیات قرآنی و تواتر احادیث شکی وجود ندارد و مباحث مطرح شده اختلافی بیشتر حول کیفیت معراج است که در خواب بوده یا بیداری با روح شریف بوده یا با جسم و روح صورت گرفته است. پژوهش حاضر با روش نقلی، توصیفی و با هدف کاربردی به جمع آوری مطالب با روش کتابخانه ای به بررسی کیفیت معراج پیامبر از منظر آیات و روایات پرداخته و دستاورد این پژوهش تحقیق در مورد تعدد معراج، سیر آسمانی، زمان و کیفیت این سفر می باشد.

کلمات کلیدی: معراج، اسراء، براق، معراج جسمانی، معراج روحانی

مقدمه

معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یکی از بزرگترین معجزات انبیاء علیه السلام به شمار می رود که در قرآن کریم نیز در سوره اسراء و نجم در مودر آن سخن به میان آمده است البته شرح جزئیات معراج را باید در احادیث ائمه علیه السلام جویا شد و برای یافتن این موضوع که چرا قرآن کریم این مسئله را نیز مانند موضوعات دیگر به اجمال بیان کرده است لذا بر آن شدیم که برای روشن شدن مطلب به سراغ تفاسیر برویم در بین تفاسیر، تفسیر شیعیه بالاترین تفاسیر را به خصوص در عصر حاضر تفسیر المیزان علامه طباطبایی رحمت الله علیه را مورد عنایت قرار دادیم در این مجال به بحث کیفیت معراج ، امکان وقوعی ، تعدد معراج ، زمان ، مکان ، وسیله و معراج روحانی – جسمانی بودن آن پرداختیم . چرا که این موضوعات در کتب تفاسیر سابق به اجمال آمده و کمتر به اثبات آن کندوکاو پیرامون آن ها پرداخته شده بود به خصوص در تفاسیر قدیمی که احتمالاً در آن روزگار این مسائل تا این حد مورد توجه نبوده است حال که شبهات مختلفی در این زمینه از جانب جوانان و در بعضی اوقات مغرضان مطرح می شود اهمیت نیاز به پاسخگویی مناسب در این زمینه ها بیش از پیش احساس می شود و اگر به این مسائل پاسخ گشته نشود ممکن است این معجزه الهی امری دور از عقل تصور گردد در حالی که خود قرآن کریم به آن تصریح دارد . معراج از مسلمات قرآن و روایات است بنابر این شناخت دقیق آن و آشنایی با شبهات مطرح در این باره و پاسخ به آن ها ضروری می باشد به ویژه آن که کسانی با دور از عقل شمردن مسئله معراج اعتقاد به این معجزه بزرگ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را زیر سؤال برده شبهاتی مطرح کرده اند از این رو اثبات وقوع آن و تبیین چگونگی اش به راسخ شدن اعتقاد به این مسئله ی قرآنی همچنین بیانگر عظمت وجود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از اهداف این تحقیق می باشد . در این مقاله از تفاسیر آیت الله علامه طباطبایی رحمت الله علیه بسیار سود جستیم ، چرا که ایشان در تفسیر المیزان به این موضوع پرداخته اند و راه حل هایی را برای اثبات معراج و کیفیت آن ارائه داده اند در این نوشتار سعی شده است پس از ارائه ی نظرات گوناگون در زمینه های کیفیت معراج و سپس نقد برخی نظرات نا درست دانشمندان در این زمینه به ارائه ی رأی صحیح تر و اثبات آن پرداخته شود.

آن گونه که از جست و جوی پیرامون این مسئله به دست می آید ، معراج مورد نظر آیات قرآن از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی از آن جا تا آسمان ها با روح و جسم مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفته است اگرچه ممکن است بعضی از معراج های آن حضرت تنها با روح شریف ایشان بوده باشد .

کتاب ها و مقالات نوشته شده در خصوص معراج بسیار است که به طور خلاصه کتاب ((معراج پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم)) از محمد باقر مجلسی رحمت الله علیه که بیشتر صفحات این کتاب به شرح حدیث معراج پرداخته است و فقط در قسمت جزئی از آن در مورد زمان ، مکان ، معراج و تعدد معراج صحبتی به میان آورده است .

کتاب ((معراج)) از آیت الله دستغیب که ایشان در این کتاب بیشتر به تفسیر سوره نجم پرداخته اند و آیات را شرح و توضیح داده اند و زیل آیات مسئله ی معراج را بررسی کرده است.

کتاب ((اسراء و معراج پیامبر)) نوشته ی عبدالرحمن بن ابی بکر نویسنده در این کتاب به تفسیر سوره اسراء پرداخته و ضمن بیان احادیث و روایات درباره ی معراج پیامبر صل الله علیه و آله و سلم حقیقت معراج را آشکار ساخته است .

کتاب ((معراج محمد رسول الله)) نویسنده حسین عماد زاده در این کتاب داستان معراج و احادیث شیعه و سنی که به صورت متواتر آمده است را بیان کرده اما درباره جزئیات آن مانند زمان ، مکان ، تعدد ، چگونگی و جسمانی بودن آن صحبتی به میان نیاورده است.

کتاب ((معراج)) از دیدگاه قرآن و روایات تألیف محسن ادیب بهروز که مؤلف در این کتاب ابتدا معنای معراج و اسراء و سپس دلایل معراج و امکان وقوعی و هرف از معراج و چگونگی معراج را بیان نموده است .

مقاله ابن سینا قشری قصد معراج پیامبر ، درمورد انتصاب معراج نامه به ابن سینا بحث کرده و از تفاوت نگاه ابن سینا و قشری که هم عصر بوده اند به مسئله ی معراج پرداخته است .

با جستجوی که بین پایان نامه ها انجام گرفت پایان نامه ای با این موضوع یافت نشد.

در تمامی کتاب ها و مقالات بررسی شده به صورت کلی مطالبی در مورد معراج و اسراء و چگونگی معراج و هدف از معراج بیان شده است اما نگارنده با چینی جدید به امکان وقوعی ، تعدد ، زمان ، مکان و وسیله همچنین به روحانی جسمانی بودن معراج از منظر آیات و روایات را مورد بررسی قرار داده و از بیانات ائمه و معصومین علیه السلام و آیات قرآن بهره برده است .

مفهوم شناسی

اسراء در لغت : کلمه از ((اسراء)) امر از ماده (اسراء) مصدر باب افعال است و ثلاثی مجرد آن یعنی (سری) با ضمه سین به معنای سیر شبانه^۱

برخی لغت اسری را عربی دانسته و به معنای ((اذهب)) سیر داده و برد خداوند بنده ی خدا را به آسمان معنا نمودند^۲
واژه اسراء در اصطلاح : به سیر شبانه پیامبر اکرم صل الله علیه وآله وسلم از مسجدالحرام به مسجدالاقصی و از آن جا به آسمان ها و در یک شب و مشاهده ی آیات الهی اطلاق شده است^۳

عرج در لغت : از مصدر عرج به معنای بالا رفتن و فراز آمدن^۴

براق در لغت : درخشنده – تابنده – اسب تیز رو^۵

براق در اصطلاح : مرکبی که پیامبر را شبانه از مدینه به بیت المقدس و از آنجا به معراج برد واژه براق هم به شکل مؤنث و هم به شکل مذکر می باشد – در خصوص ریشه شناسی این واژه اختلاف نظر وجود دارد برخی آن را کلمه ((بارق)) فارس میانه به معنای مرکب گرفته اند و برخی آن را از ریشه ((برق)) در زبان عربی

و به معنای ((درخشش)) یا ((آذرخش)) می دانند گروهی این امکان را نیز در نظر گرفته اند که ریشه ی کلمه به دوران پیش از اسلام باز می گردد که اسناد آن امروزه در اختیار ما نیست دهخدا در لغت نامه خویش از واژه عربی رفراف به معنای تخت و سریر در کنار براق یاد می کند و آن را تخت روان می داند که پیامبر را به معراج برده است.
همچنین دهخدا منظور از عبارت << براق جم >> آبادی می داند که سلیمان به واسطه آن نقل و مکان می کرد^۶

-
۱. راغب اصفهانی، هثیم حسین ابن محمد، ۱۳۸۷ ه.ش، المفردات فی غریب القرآن، انتشارات صادقی، چاپ اول، ج ۱، ص ۴۰۸.
 ۲. بابویه قمی، محمد، ۱۴۰۰ ه.ق، امالی صدوق، بیروت، منشورات اعلمی، چاپ پنجم، ص ۸۴.
 ۳. راغب اصفهانی، هثیم حسین ابن محمد، ۱۳۸۷ ه.ش، المفردات فی غریب القرآن، انتشارات صادقی، چاپ اول، ج ۱، ص ۴۰۸.
 ۴. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد مکرم، ۱۴۰۵ ه.ق، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، چاپ اول، ج ۹، ص ۱۲۰.
 ۵. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، موسسه انتشاراتی امیر کبیر، تهران ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۱۸.
 ۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳ ه.ش، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات روزنه، ص ۹۸.

امکان وقوعی معراج

قبل از هر چیز باید بدانیم که امکان وقوعی هر پدیده ای مقدم بر اثبات آن است ابتدا باید بدانیم به لحاظ عقلی حادثه و یا هر پدیده مورد نظر ، امکان وقوع دارد یا نه روشن است که قبل از واضح شدن این مطلب هر گونه کاوش در اثبات آن و اقامه دلیل بیهوده خواهد بود .

صاحب نظران علم و فلسفه در بیان معنای ((امکان وقوعی)) آورده اند ((چیزی که از وجود یا عدم آن محالی لازم نیاید))

مثلا اجماع در نقیضین امکان وقوعی ندارد زیرا از وجود آن محال لازم می آید ، بنابر این بحث از اثبات آن نیز بی نتیجه خواهد بود . اما تصرفات انسان در منظومه ی جهان هستی امکان وقوعی دارد و مستلزم محال نیست از این رو کندوکاو در اثبات آن نیز بیراه نخواهد بود .

((معراج)) نیز چنین است زیرا برای وقوع آن محالی نمی شود تصور کرد پس امکان وقوعی آن نیز منفی نخواهد بود .

برای اثبات ((امکان وقوعی)) دست کم برای تأیید می توان از حادثه عظیم و اعجاب آفرین حضرت سلیمان و آصف بن برخیا یاد کرد که در یک چشم بر هم زدن ((آصف)) تخت ((بلقیس)) را از یمن به شهر شام برای حضرت سلیمان علیه السلام می آورد ^۱

بدین سان می توان گفت وقوع سیر و سفر آسمانی ، با مرکبی با قدرت الهی ، امکان پذیر است و هیچ محالی بر انجام آن متصور نیست.

اثبات معراج پیامبر اکرم صل الله علیه وآله وسلم با روایات روشن است و هیچ گونه تردیدی را بر نمیتابد زیرا روایاتی که به بیان سفر معراج حضرت پرداخته اند ، اگر نگوییم متواتر است حداقل مستفیض بودن آن را نمی شود نفی کرد علامه طباطبائی بر تواتر آن تأکید ورزیده اند و در روایاتی که از معصومین علیه اسلام نقل شده است بر ثبوت معراج تصریح کرده است و هر گونه انکار ، نفی و رد آن را به دور از منش و اندیشه شیعی و اسلامی انگاشته شده است ^۲

۱. مجلسی ، محمد باقر ، ۱۴۰۳ ه ق ، بحار الانوار ، بیروت - لبنان ، دار الاحیاء التراث ، چاپ سوم ، ج ۱۸ ، ص ۲۸۵ .

۲. طباطبائی ، سید محمد حسین ، ۱۳۶۳ ه ش ، المیزان ، سید محمد باقر موسوی همدانی ، قم ، انتشارات علامه طباطبائی ، جلد ۱۳ ، ص ۳ .

از ما دارای جایگاه معنوی خواستی است و خداوند شما را ای محمد! نمی برد، مگر آنکه نشانه های الهی را به شما نشان دهد پس غافل نباش جبرئیل با حضرت وداع کرد و پیامبر صل الله علیه و آله وسلم با رفرف و ملک از آن جا گذشتند تا اینکه ...^۱

کیفیت معراج

مهم ترین و پیچیده ترین بحث در موضوع معراج کیفیت سفر الهی - آسمانی پیامبر صل الله علیه و آله وسلم است برخی آن را رویا دانستند و برخی دیگر به روحی بودن آن معتقد گشتند گروهی تفصیل داده و معتقد شدند که تا مسجدالاقصی جسمی و بعد روحی بوده است. عده ای به جسمانی و روحانی بودن آن تاکید کردند و بزرگانی به جسمانی بودن آن معتقد هستند اما به صورت برزخی و منشاء الهی آن، نظر دادند.

معراج رؤیایی

معترزه: اینان سفر الهی پیامبر را نه رویدادی در واقعیت هستی که آن را خوابی پنداشته اند در عالم رؤیا، اعتزالیان برای اثبات این دیدگاه، از جمله به روایتی استناد کردند که ((عایشه)) آن را نقل کرده است. جسد پیامبر در شب معراج از جای خود نشد اما روح وی را به معراج بردند.^۲

معاویه نیز می گوید: ((معراج خوابی درست بود که حق تعالی پیغمبر خود را بنمود.))^۳ از سوی دیگر کوشیده اند، با همگون سازی آن با مجلس خواب حضرت ابراهیم علیه السلام - که به صداقت در قرآن آمده است - آن را توجیه کنند ((خداوند به ابراهیم علیه السلام قربانی نمودن فرزند را در خواب خبر داد...))^۴

این آیه مسأله ی معراج در خواب را تایید گر است - در تبیین آن گفته اند: همانگونه که به ابراهیم علیه السلام موضوع قربانی کردن در خواب اطلاع داده شده به رسول الله نیز حوادث و رویدادهای شب معراج، در خواب عرض گردید و در قرآن نیز به معراج

۱. عربی، محی الدین، ۱۴۱۰هـ ق، رحمة من الرحمة فی تفسیر و اشارات القرآن، بی جا، چاپ اول، ج ۲، ص ۵۱۷-۵۱۸.

۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳هـ بحار الانوار، بیروت، لبنان، دارالاحیاء التراث، چاپ سوم، ج ۱۸، ص ۴۹۱.

۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۳هـ ش، المیزان، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات علامه طباطبائی، ج ۱۳، ص ۲۳.

۴. الصافات آیه ۱۰۲.

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم با تعبیر رؤیا اشارت رفته است. چنانچه در سوره اسراء می خوانیم ((و آنچه در خواب به تو نشان دادیم و داستان درخت ملعون که در قرآن آمده است ، چیزی جز آزمایش مردم نبوده ...))^۱

اعتزالیان ، این آیه را به ماجرای معراج پیامبر پیوند داده و معتقد شدند که این رویا و آن چه در آن به پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم نشان داده شده است نیز همان معراج است نتیجه این که معراج پیامبر سیری بوده است در عالم رؤیا و نه جزء آن در نقد دیدگاه معتزلیان می توان گفت روایت ((عایشه)) که معتزلیان به آن استناد کرده اند به لحاظ ملاک های حدیث شناسی از هیچ اعتباری برخوردار نیست ماجرای معراج سال های سال پیش از تولد وی روی داده است بدین سان وی چگونه مستقیم ماجرا را نقل می کند ؟ گویا نقد سخن معاویه ، زاهد می نماید چرا که نه خود وی شرایط صحت را دارد و نه در ماجرا حضور داشته و نه ملاک های پذیرش دیگر را دارد . سخن وی با همه نا استواری شخص او حدسی بیش نیست .

معراج روحانی

برخی نیز پنداشته اند که این سیر و سفر آسمانی و الهی ، روحانی بوده و پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم با انسلاخ از جسم به این سفر موفق شده است.

شیخ الرئيس ((بوعلی سینا)) در معراج نامه چنین نوشته است ((اگر کسی پندارد که جسم آدمی جایی رسد که عقل رسد ، محال باشد زیرا که عقل به معقول رسد نه به مدّت بُود و نه به آلت رسد <جسم آدمی> به واسطه ی زمان < ره به جایی > نرود زیرا که عقل نه اندر موضع بُود و مکان بد محیط نشود ... جسم جوهری کثیف است ، قصد بالا ندارد اگر سفر کند به بالا جز عَرَضی و قهری نَبود و اگر خواهد که به تعجیل مسافتی – که به تائی رفته باشد – قطع کند ، نتواند که کند ... برشدن دو گونه بُود یا جسم را به بال محسوس یا روح را به مدارج معقول ، چون حرکت جسم به مقصد عالی ، جز به انتقال و قطع مکانی و انتقال زمانی نتواند بُود و چون اندر مدرج معقول بُود ، حرکت روح را بُود به عقل نه جسم را به قدم ، پس جسم اندر موضع بُود و قدرت ادراک بر مرکب عقل به مقصود خود می شود و سفر او سریع بُود زیرا که به مرکز خویش می شود و هر چیزی به مرکز خود گرائیده است ... پس معراج دو گونه است یا جسمی به قوّت حرکتی به بالا بر شود یا روحی به قوّت فکری معقول بر شود و چون احوال پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم نه اندر عالم محسوس بوده است ، معلوم شد که نه به جسم رفت ، زیرا که جسم به یکی لحظه مسافت دور قطع نتواند کرد ، پس معراج جسمانی نَبود ، زیرا که مقصود ، حس نَبود ، بلکه معراج ، روحانی بُود، زیرا که مقصود عقلی بُود.))^۲

۱. سوره اسراء آیه ۶۰.

۲. سینا، ابوعلی، ۱۳۶۶ ه ش، معراج نامه، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ دوم، ص ۹۷-۹۸.

توجّه و دقّت در معراج پیامبر اکرم صل الله علیه وآله وسلّم به خوبی بیانگر آن است که حضرت را به بیت المقدس و آسمان ها بردند نه اینکه جناب رسول الله بدون هیچ گونه سبب و وسیله ای رفتند ، این نکته را از تعبیر اسراء می توان دریافت که نشانگر آن است که حضرت را بردند این تعبیر با جمله ی شیخ که گفتند : ((معراج دو گونه است ، یا جسمی را به قوّت حرکت به بالا بر شود یا ... تنافی ندارد زیرا جسم حضرت به واسطه ی (براق) و (رفراف) برده شده بنابراین از نظر عقلی ، منعی در معراج جسمانی حضرت وجود ندارد.

معراج جسمانی روحانی

معراج پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلّم که از مسجدالحرام آغاز شد ، به صوّت جسمانی -روحانی انجام گردیده است این دیدگاه را اکثر عالمان دانشمندان اسلامی قبول و برآن تأکید کرده اند.

دلایل قرآنی که برای اثبات معراج جسمانی -روحانی آمده است.

پاک و منزّه است خدایی که (در مبارک) شبی بنده ی خود را از مسجدالحرام به مسجدالاقصائیکه پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساخت سیر داد تا آیات خود را به او بنماید که خدا به حقیقت شنوا و بیناست ¹.

واژه ی (عبد) به روشنی نشانگر آن است که معراج ، جسمانی بوده است . گو اینکه طرفداران معراج روحانی بر آنند که این کلمه در معنای جوهر روح است ^۲. لذا نمی توان در اثبات معراج جسمانی به آن استدلال کرد امّا توجّه و دقّت در معنای لغوی کلمه و موارد کاربردی آن در قرآن خلاف ادعای صاحبان نظریه ی روحانی ، را به اثبات می رساند در معاجم لغوی از (عبد) به عنصر ترکیب یافته از جسم و روح نام برده شده است - راغب در (لسان العرب) عبد را مجموع روح و جسم بیان کرده است بسیاری از مفسران هم بر این دیدگاه که نشانگر بودن جسم و روح پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلّم از مسجدالحرام به معراج را قبول و بر آن تأکید ورزیده اند . در اثبات معراج جسمانی - روحانی بودن حضرت روایات گویایی و صراحت بیشتری دارد از امام صادق علیه السلام نقل شده است : ((حضرت در مدینه ، طور سینا ، بیت الحن و بیت المقدس نماز خواند .)) ^۳

آیا می شود این کلام توجیه کرد و برای اثبات دیدگاه خود به تأویل آن پرداخت ؟

((پیامبر نماز خواند و ...)) با معراج روحانی چگونه قابل جمع است این روایت جسمانی روحانی بودن معراج را به اثبات می رساند .

-
۱. سوه اسراء آیه ۱.
 ۲. مجلسی ، محمد باقر ، ۱۴۰۳ ه ق ، بحار الانوار ، بیروت - لبنان ، دار الاحیاء التراث ، چاپ سوم ، ج ۱۸ ، ص ۳۱۹.
 ۳. همان.

نتیجه

یکی از مهم ترین معجزات پیامبران معجزه ی آخرین پیامبر خدا معراج می باشد پژوهش درمورد این موضوع مهم از یک سو در معرفت الهی ، توحید حضرت حق ، آگاهی از عظمت های پیامبر و از سوی دیگر آگاهی از جهان هستی ، ولایت علوی و عظمت بانوی اکرم حضرت زهرا سلام الله علیها و جایگاه امت رسول الله را روشن می سازد. با بررسی آیات و روایات ائمه معصومین علیه السلام به این نتیجه رسیدیم که معراج یک سفر آسمانی بوده که در اوج تکذیب ها و خیره سری های مشرکان تحقق یافت.

بدیهی است بسیاری از آنچه که برای پیامبر صل الله علیه و آله وسلم در معراج رخ داد از حد و تصورات بشر خارج است به همین دلیل امکان برخی انحرافات نیز در این خصوص بسیار زیاد است . شرح، استدلال و بیان این واقعه از زبان کارشناسان و آگاهان به فقه و اندیشه اسلامی می تواند تا حد زیادی به روشن شدن برخی معانی قابل فهم و درک این مسئله نزد عموم مردم کمک کند .

از دستاورد های این مقاله می توان به اثبات معراج ، کیفیت و چگونگی معراج ، تعدد و امکان وقوعی ، زمان و مکان و وسیله معراج از منظر آیات و روایات اشاره کرد .

ره آورد معراج پیامبر صل الله علیه و آله وسلم بیش از آن است که گفته شد لکن برای پرهیز از اطاله کلام به همین مقدار بسنده شده امید است این کوتاه سخن در حاصل معراج ، دیده ی دل مارا نسبت به آن بصیر نماید . ان شاء الله

منابع

قرآن کریم

۱. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد مکرمف ۱۴۰۵ هـ ق، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، چاپ اول.
۲. بابویه قمی، محمد، ۱۴۰۰ هـ ق، امالی صدوق، بیروت، منشورات اعلمی، چاپ پنجم.
۳. حلبی شافعی، علی، بی تا، سیرت الحلبیه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۴. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳ هـ ش، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات روزنه.
۵. ذهبی شمس الدین محمد، ۱۴۰۶ هـ ق، سیر اعلام انباء، بیروت، مؤسسه رساله، چاپ چهارم.
۶. رازی، فخر، ۱۳۷۹ هـ ش، تفسیر کبیر فخر رازی، علی اصغر حلبی، بی جا، انتشارات اساطیر، چاپ پنجم.
۷. راغب اصفحانی، هثیم حسین ابن محمد، ۱۳۸۷ هـ ش، المفردات فی غریب القرآن، انتشارات صادقی، چاپ اول.
۸. سینا، ابوعلی، ۱۳۶۶ هـ ش، معراج نامه، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ دوم.
۹. شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۶۷ هـ ش، زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۶۳ هـ ش، المیزان، سیدمحمد لاقر موسوی همدانی، قم، انتشارات علامه طباطبائی.
۱۱. عربی، محی الدین، ۱۴۱۰ هـ ق، رحمة من الرحمة فی تفسیر و اشارات القرآن، بی جا، چاپ اول.
۱۲. قمی، علی ابن ابراهیم، ۱۳۸۷ هـ ق، تفسیر قمی، بیروت، مطبعة النجف، چاپ دوم.
۱۳. قشیری، مسلم بن الحجاج، ۱۲۹۴ هـ ق، صحیح مسلم، خالد ایوبی نیا، بیروت، دارالکتاب عربی، چاپ اول.
۱۴. کلینی فابن جعفر یعقوب ابن اسحاق، ۱۳۸۸ هـ ق، اصول کافی، هاشم رسولی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، چاپ دوم.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ هـ ق، بحار الانوار، بیروت- لبنان، دارالاحیاء التراث، چاپ سوم.
۱۶. همدانی، رفیع الدین اسحاق، ۱۳۶۱ هـ ش، سیرت النبی، تهران، خارزمی، چاپ دوم.
۱۷. یعقوبی، احمد، بی تا، تاریخ یعقوبی، قم، مؤسسه ی فرهنگ اهل بیت.
۱۸. مجله میقات، نشریه شماره ۳، سازمان حج و زیارت.